

# زبان شریعت

شیخ مرتضیٰ انصاری واعظ (ره)

محمد تقی ادهم نژاد

## تولد و شهرت

محدث و واعظ پرآوازه قم، حاج شیخ مرتضیٰ انصاری واعظ قمی از معروفترین خطبای شیعه در دوران معاصر، به سال ۱۳۲۳ ق در میان خاندانی معروف به فضل و تقوا دیده به جهان گشود. پدرش مرحوم آقا شیخ محمدحسین از زهاد شهر قم و از معتمدین بزرگان مذهبی قم به شمار می آمد و نسب این بزرگوار به شیخ الطائفه جناب سعد بن عبدالله بن ابی خلف اشعری قمی، صحابی بزرگوار و جلیل القدر امام حسن عسکری علیه السلام می رسد.

شیخ مرتضیٰ درجات زهد و معنویت را در چنین خانواده ای کسب کرد و مقدمات و سطوح متوسطه و عالی حوزه علمیه را از محضر فرزندانگان وارسته علمی همانند آیات عظام: ادیب تهرانی، میرزا محمد همدانی، شیخ محمدعلی حائری قمی، آخوند ملاعلی همدانی، سید محمدتقی خوانساری و... به خوبی فرا گرفت و آن گاه در سال ۱۳۴۷ ق در درس پر خیر و برکت آیه الله العظمی حائری یزدی، مؤسس حوزه علمیه قم، حضور یافت و در شمار شاگردان برجسته و مبرز وی در آمد.

جاویدان آیه الله العظمی حائری اعزام مبلغ به شهرستانها بود. وی از بانیان اصلی و از بنیانگذاران واقعی طرح هجرت علما و شایستگان برای تبلیغ به شهرستانها بود.

او به منبر و اهل منبر بهای بسیار می داد و معتقد بود منبر جایگاه پیامبر ﷺ است و بایسته است که مجتهدان و متکلمان زبردست از فراز آن با مردم سخن بگویند و عقاید و باورهای دینی مردم را درست نمایند. حاج شیخ از اینک منابر جولانگاه ناهلان، کم مایگان، مکتب ندیده گان و... قرار گیرد و از این راه، آسیبهای جدی به عقاید و باورهای دینی مردم وارد شود، بسیار رنج می بردند و ابراز تأسف و تأثر می کردند.

یکی از ابتکارات آن بزرگوار این بود که فقط به نیازهای موقت مردم نمی اندیشید، بلکه نیازهای فکری و عقیدتی مردم را نیز مورد توجه ویژه قرار می داد و شماری از مبلغان را به صورت دائمی (هجرت بلندمدت) به

گویند: حاج شیخ مرتضی پیش از آنکه ملبس به لباس مقدس روحانیت شود، روزی در تیمچه بزرگ بازار، بر فراز منبر مشغول سخنرانی بود که آیه الله حائری وارد مجلس شد.

آن بزرگوار وقتی شیوه سخنرانی و بیان رسا و شیرین وی را مشاهده کرد، او را نزد خود طلبید و فرمود: نام شما چیست و چرا تاکنون معمم نشده ای؟ شیخ مرتضی در جواب گفت: آقا! نام من شیخ مرتضی است و تاکنون در خودم صلاحیت معمم شدن و پوشیدن لباس مقدس روحانیت را ندیده ام.

آیه الله حائری فرمود: ان شاء الله که شیخ مرتضی انصاری بوده باشید. از همان تاریخ وی در میان مردم و علما به شیخ مرتضی انصاری معروف و مشهور گردید.

سپس فرمود: تو بهترین کسی هستی که شایستگی عمامه نهادن را دارد. فردا من به حجره ات در مدرسه فیضیه می آیم و عمامه بر سرت می گذارم.<sup>۱</sup>

### هجرت ثمربخش

یکی از اقدامات ارزشمند و

۱. ستارگان حرم، ج ۲، ص ۱۳۳؛ پیام حوزه، نشریه شورای عالی حوزه علمیه قم، ش ۲۳.

انصاری قمی می‌گوید: «مرحوم آقای انصاری حسب الامر آیه الله حائری، چندین سال برای اقامه جماعت و ترویج دین به قصبه گرکان - دو فرسخی آشتیان - رفت و مردم آن سامان را با مواعظ و خطابه‌های خود ارشاد نمود. در حقیقت دین مردم گرکان و آشتیان تاکنون مرهون اقامت چندین ساله وی و زحمات بی‌دریغ و شبانه روزی اش بوده است.»

محقق عالی قدر مرحوم سید عبدالعزیز طباطبایی در این باره می‌گوید:

«آقای انصاری در این مدت نهایت بهره و استفاده را از اوقات خویش برد و هم نسلی متدین تربیت کرد و هم دوره کتاب بحار الانوار چاپ کمپانی را به همراه خود برد و از ابتدای آن به انتهایش رفت و از آخر به اولش آمد و همه را دقیق مطالعه کرد و به خاطر سپرد. او به اندازه‌ای در حدیث‌شناسی متبحر و چیره دست بود که هر حدیثی را از او می‌پرسیدند،

شهرستانها اعزام می‌کرد و این باعث شد بسیاری از مردم شهرها به برکت وجود عالمان دینی در محل زندگی شان با آداب و تربیت اسلامی آشنا شوند و با تأسیس مساجد و مدارس دینی، طلبه‌های فاضل و اثرگذار در فرهنگ و آداب مردم، تربیت شدند. چنین شد که فضای دینی و معنوی کشور روز به روز گسترش یافت و جهل و نادانی از ساحت جامعه شیعی دامن برچید.

یکی از آن شخصیت‌های ارزشمند که افتخار شاگردی آیه الله حائری را داشته و توسط معظم له برای ارشاد و هدایت مردم به منطقه گرکان آشتیان اعزام گردید، آیه الله حاج شیخ مرتضیٰ انصاری واعظ قمی است که به مدت ۱۰ سال در این سامان اقامت گزید و مشغول وعظ، خطابه، ارشاد و هدایت مردم گردید و قلوب مردم آن دیار را با احکام و معارف اسلامی نورانی ساخت.<sup>۱</sup>

### گنجینه‌ای گرانبها

آیه الله شیخ محمدرضا طبسی درباره موفقیت هجرت شیخ مرتضیٰ

۱. مجله حوزه، ش ۱۲۶، ص ۱۶۲.

قدری مفید و با ارزش بود که همه، از عالی و دانی و از فقیه و مجتهد تا آدمهای عادی از منبرش استفاده می‌بردند و حضور در پای منبر او را بر همه چیز ترجیح می‌دادند.»

فقیه پارسا و مجاهد حضرت آیه الله مشکینی رحمته الله علیه در خطبه‌های نماز جمعه قم، ۲۲ رجب ۱۴۱۸ ق فرمود: «زمانی که ما وارد قم شدیم، آقای انصاری بسیار مشهور بود. او در هر منبرش بیش از یکصد حدیث می‌خواند. من از صدا و سیما می‌خواهم نوارهای ایشان و امثال او را پیدا کنند و برای مردم پخش نمایند. اینها به گردن مردم حق دارند. اینها بودند که دین مردم را حفظ کردند.»<sup>۱</sup>

#### زبان شریعت

حاج انصاری واعظ، سالی در ماه مبارک رمضان به نجف اشرف دعوت گردید و در آنجا و نیز در کربلای معلی به سخنرانی پرداخت که مورد توجه بزرگان نجف واقع شد. یکی از فضلاء نجف می‌گوید:

با ذکر دقیق منبع آن که در چه جلد و چه بابی است، پاسخ می‌داد.»<sup>۱</sup>

#### شیخ مرتضی از دیدگاه فرزندان

حاج شیخ مرتضی انصاری پس از مدت ۱۰ سال اقامت در منطقه آشتیان به زادگاهش بازگشت و به ارشاد و هدایت مردم قم و سایر شهرستانها پرداخت. وی که مهارت ویژه‌ای در احادیث و اخبار اهل بیت علیهم السلام داشت، همواره منبرش مورد توجه علما و دانشوران و مردم متدین قرار می‌گرفت. صاحب دائرة المعارف تشیع می‌نویسد که حاج شیخ مرتضی انصاری قمی حافظ بیش از ۳۰ هزار حدیث بود و به همین جهت، از این گنجینه گرانها در منبرش به خوبی بهره می‌برد.

حضرت آیه الله صافی گلپایگانی فرمودند:

«در یک مجلس شمردم تا هفتاد حدیث در یک موضوع خواند.»

آیه الله سبحانی فرمودند:

«در یک شب اربعین، پای منبر او

بودم. او چهل حدیث با لفظ اربعین خواند و همه را توضیح داد. منبرش به

۱. ستارگان حرم، ج ۸، ص ۱۳۴.

۲. ستارگان حرم، ج ۸، صص ۱۳۴-۱۳۵.

داشت، برای جامعه متدین و مسلمان بسیار مغتنم بود. مسافرت‌های تبلیغی او همراه با سخنرانیهای پرشور و حرارتش موجبات هدایت افراد و اشخاص آلوده به گناه و معاصی را در پی داشت که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

الف. آن بزرگوار می‌گوید:

«زمانی در شبهای محرم در تهران، پس از نماز مغرب و عشاء سه مجلس را اداره می‌کردم. طیب خان رضایی که بعدها توبه کرد و در حمایت از نهضت حضرت امام توسط رژیم اعدام گردید، پیش من آمد و مرا برای مجلس بار فروشان (میدان شوش) دعوت کرد. عذر آوردم و گفتم: طیب خان! من پس از نماز سه مجلس دارم و دیگر به مجلس شما نمی‌رسم؛ وانگهی ساعت از نیمه شب هم می‌گذرد. او گفت: آقای انصاری! ماده بیست نفر بودیم که همه جور کارهای خلاف را انجام می‌دادیم و در اثر منبرهای پارسال شما از همه آنها دست کشیدیم.<sup>۲</sup>

«ایشان یک سال در ماه مبارک رمضان، در مسجد شیخ انصاری نجف اشرف به منبر رفت. آیه الله خوویی شبها در مسجد خضراء درس می‌فرمود. ما به ایشان می‌گفتیم: آقا! درس را زودتر تعطیل کنید تا به منبر آقای انصاری هم برسیم. ایشان پرسید: مگر آقای انصاری در منبر چه می‌گوید که شما می‌خواهید از درس من کم کنید؟ گفتیم: آقا! منبر ایشان گفتنی نیست، شنیدنی است و باید خود بشنوید و ببینید. ایشان، شبی درس را زودتر تعطیل کرد و به مجلس انصاری حاضر شد و از کثرت نقل احادیث در شگفت ماند و فرمود: آری، شما حق دارید؛ این مجلس خیلی قابل استفاده است. و از آن روز به بعد هر شب درس را کمی زودتر تعطیل می‌کرد.»<sup>۱</sup>

#### خطابه‌های تأثیرگذار

بیان شیوا و جذاب، نفوذ کلام و گیرایی سخن، تواضع و فروتنی، اخلاق و متانت و پرهیز از تشریفات، از ویژگیهای واعظ معروف قم بود. وجود او در روزگاری که فساد و فحشا و بی‌دینی در سراسر ایران رواج

۱. همان، ص ۱۳۶.

۲. یکی از سخنرانیهای معظم له تحت عنوان

کند؟ دیوان حافظ در کنارم بود، گفتم: می‌خواهید تفألی از حافظ بگیریم؟ گفت: بد نیست. تفألی گرفتم و این شعر بیامد:

دیده ما چو به امید تو دریا است چرا  
به تفرج گذری بر لب دریا نکنی  
وی آن سال را بدان شهر رفت. با  
نماینده حزب توده ملاقات و از وی  
قول گرفت که با وی مزاحمتی نداشته  
باشد و تبلیغات دینی را آغاز کرد. با  
همت وی، دو باب حمام و دو مسجد  
جدید ساخته شد و مساجد متروکه و  
مخروبه نیز تعمیر گردید. می‌گفت:  
دیدم نامه‌های زیادی نوشته می‌شود و  
از گرانی پول حمام شکایت دارند. در  
منبر پرسیدم: آقایان! گرانی پول حمام  
به من چه ربطی دارد؟

گفتند: آقا! تا وقتی شما به این شهر  
نیامده بودید، غالب مردم نماز  
نمی‌خواندند و برای غسل به حمام  
نمی‌رفتند. اکنون مردم اهمیت نماز را  
در یافته‌اند و نیازمند حمام و غسل  
هستند و حمام کم و گران است. از

حالا می‌خواهی بیا، می‌خواهی  
نیا؛ ولی من شما را چه دعوت ما را  
قبول کنی و چه قبول نکنی، به زور هم  
که شده می‌آیم می‌برم. من هم قبول  
کردم و فکر کردم که مجلس بسیار  
خلوت است؛ اما وقتی رفتم، دیدم  
مجلس مالا مال از جمعیت است و از  
بهترین مجالس من در تهران شد.»

ب. مرحوم حجة الاسلام حاج  
شیخ محمدعلی انصاری می‌گوید:

«در زمان رضاخان و پس از آن، در  
رشت و بندر انزلی در اثر سیطره حزب  
توده، فحشا و منکرات رواج پیدا کرده  
بود، در چنین شرایط سختی عده‌ای از  
متدینین بندر انزلی به فکر فرو رفته، از  
مرحوم حاج شیخ مرتضی انصاری  
دعوت کردند که دو ماه محرم و صفر  
برای تبلیغ به آن شهر برود. چند روز به  
ماه محرم باقی مانده و من با مرحوم  
اخوی در منزل نشسته بودم که  
تلگراف دعوت مجدد و یادآوری و  
آمادگی اهالی رسید. آن مرحوم که قبلاً  
قول داده بود و از طرفی با شرایط  
سخت که حزب توده ایجاد کرده بود،  
رو به رو بود، به فکر فرو رفت که چه

«توبه» در: گفتار و عاظ، تاج لنگرودی و اعظ، ج ۲،  
صص ۲۳-۳۵، آمده است.

این رو، ایشان دو باب حمام ساختند.<sup>۱</sup> مرحوم حاج انصاری واعظ به خاطر تشویق مردم برای ایجاد مساجد و بناهای خیریه در اغلب شهرها آثار بسیاری از خود بر جای گذاشته است که از جمله تعمیر مسجد امام حسن عسکری علیه السلام و مسجد جامع قم و نیز مسجدی در خیابان حاج زینل قم و توسعه مسجد ارک تهران و... از برکات آن بزرگوار و با همت مردم خیر و مسلمان بنا گردیده است.

#### واقعه مدرسه فیضیه

حضرت امام علیه السلام در آخرین روزهای سال ۱۳۴۱ ش و در روز چهارشنبه بعد از پایان درس طی نطقی فرمود که به خاطر مسائل پیش آمده، ما امسال عید نداریم و اعلامیه‌ای نیز با همین مضمون صادر کردند؛ و دلیل آوردند که این روزها روز مصیبت ما و مصیبت اسلام است. این اعلامیه تأثیرگذار، باعث عصبانیت رژیم طاغوت گردید و به همین منظور می‌خواست به شکلی از بزرگان حوزه به ویژه از حضرت امام علیه السلام انتقام بگیرد؛ لذا قبل از تحویل سال با استقرار

نیروهای کماندو در اطراف مدرسه فیضیه برنامه‌اش را به مرحله اجرا گذاشت.

روز دوم عید همان سال مصادف با ۲۵ شوال و شهادت امام جعفر صادق علیه السلام مراسم سوگواری توسط حضرت آیه الله گلپایگانی در مدرسه فیضیه برپا گردید. ابتدا آقای آل طه به منبر رفت و درباره شخصیت امام صادق علیه السلام سخن گفت و بعد از ایشان مرحوم حاج شیخ مرتضیٰ انصاری واعظ معروف روی منبر قرار گرفت. با آغاز سخنرانی ایشان، مزدوران رژیم با فرستادن صلواتهای بی‌جا و سردادن شعار جاوید شاه و غیره، در صدد بر هم زدن نظم مجلس برآمدند. تلاشهای مرحوم انصاری برای حفظ آرامش جلسه و ساکت کردن این افراد به جایی نرسید و سخنرانی ایشان به ناچار قطع شد.

به دنبال آن عوامل رژیم وارد مدرسه شده، شروع به ضرب و شتم طلبه‌ها و روحانیون، شکستن در و

۱. ستارگان حرم، ج ۸، صص ۱۳۶-۱۳۷.

روحانیت اجازه ذکر مصیبت برای رئیس مذهب جعفری هم نمی‌دهند. در اثر هجوم دژخیمان، آیه الله گلپایگانی و مرحوم انصاری به یکی از حجرات مدرسه فیضیه پناهنده شدند و بعد از خاتمه درگیری، مرحوم انصاری از طریق رودخانه متواری شد و تا مدت ۴۰ روز مخفیانه زندگی می‌کرد.<sup>۲</sup>

#### فساد ستیزی

مرحوم حاج انصاری واعظ در مبارزه با کانون ظلم و ستم و نیز علیه مظاهر فساد و فحشا و منکرات بسیار فعال بود که به یک نمونه آن اشاره می‌شود:

در زمان متفقین (۱۳۲۱ ش) چند باب مغازه شراب فروشی در مجاورت آستانه وجود داشت و از طرفی به علت

۱. خاطرات آیه الله احمد صابری همدانی، صص ۱۵۶ - ۱۶۰، با تلخیص فراوان.

۲. درباره حادته خونین مدرسه فیضیه به منابع ذیل مراجعه کنید:

از فیضیه ۴۲ تا فیضیه ۵۷، احمد صابری همدانی، صص ۱۷۸، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی علیه السلام، سیدحمید روحانی، ج ۱، صص ۳۳۷؛ نهضت روحانیون ایران، علی دوانی، ج ۳ و ۴، صص ۲۲۱ - ۲۶۵.

پنجره‌ها، سوزاندن کتب مذهبی و قرآنها و عمامه‌ها و... نمودند که باعث شهید شدن عده‌ای از طلاب مظلوم از جمله یکی از طلاب گیلانی به نام سید یونس رودباری و نیز زخمی شدن تعداد زیادی از طلاب گردید.<sup>۱</sup>

مرحوم حاج انصاری در ابتدای سخن با لحن ملایم به قصد آرام ساختن ایادی مزدور و رژیم اظهار داشت: «ما با کسی سر جنگ نداریم. ما در اینجا جمع شده‌ایم تا برای ششمین پیشوای شیعیان ذکر مصیبتی بکنیم و اگر حرفی می‌زنیم، سخنی می‌گوییم، جز نصیحت مشفقانه منظوری نداریم. ما وظیفه داریم خیر و صلاح ملک و ملت را...» که سخنان ایشان با صدای صلوات یکی از عوامل رژیم قطع شد و یکی دیگر از آنان از منبر بالا آمد تا بلندگو را از جلو او بکشد. آقای انصاری هم یک پله پایین آمد و بلندگو را از دست او کشید و فریاد برآورد:

آی مردم! آی مسلمانهایی که از صدها فرسخ راه به این شهر مقدس آمده‌اید، به شهر و دیار خود که بازگشتید، به همه برسانید که دیگر به



الزَّارِعُونَ... أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ \* أَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ \* لَوْلَا نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أَجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ»<sup>۱</sup>

آن گاه فریاد برآورد: «ای مردم! چرا جماعتها را به هم می‌زنید؟ اگر می‌خواهید انقلاب کنید که نتیجه بگیرید، پس بریزید شراب فروشها را به هم بزنید که در این شهر دینی و مذهبی، علیه قرآن و مقدسات مذهبی اشاعه منکرات نکنند. شما در این مغازه‌ها را ببینید، من از آسمان به شما آب می‌دهم! جنگ کردن لازم نیست.

مردم بعد از استماع سخنان تأثیرگذار آن واعظ آبرومند، به خیابانها ریختند و با در هم شکستن مشروب فروشها و آتش زدن مراکز فحشا و منکرات، محیط خیابانهای اطراف

۱. واقعه/ ۶۳-۶۴ و ۶۸-۷۰. «آیا هیچ درباره آنچه کشت می‌کنید، اندیشیده‌اید؟ آیا شما آن را می‌رویانید یا ما می‌رویانیم؟... آیا به آبی که می‌نوشید، اندیشیده‌اید؟ آیا شما آن را از ابر نازل کرده‌اید یا ما نازل می‌کنیم؟ هرگاه بخواهیم، این آب گوارا را تلخ و شور قرار می‌دهیم؛ پس چرا شکر نمی‌کنید؟»

خشکسالی، مردم قم به ویژه اغلب کشاورزان از داشتن آب محروم و در مضیقه بودند. در همین راستا، آب رودخانه قم توسط مردم «محلات و نسیم‌آورد» به پشتیبانی قدرت نخست وزیر وقت، صدر الاشراف محلاتی، به کلی به روی مردم قم بسته شد. اعتراضات مردم قم هم به جایی نرسید. به ناچار مردم به ویژه کشاورزان قم به ستوه آمدند و با تهیه ماشینهای متعدد برای در هم شکستن بندهای سد آب رودخانه بر آن شدند تا راهی محلات شوند. درگیری وزد و خورد طرفین قطعاً منجر به کشته شدن افراد می‌گردید.

حاج انصاری واعظ با درک موقعیت خطیر و برای جلوگیری از فتنه بزرگ، بر فراز منبر رفت و آیات شریفه سوره واقعه را قرائت و به تفسیر و توضیح آن پرداخت.

آیات مبارکه عبارت‌اند از:  
«أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ \* أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ

خدمت به اسلام، قرآن و اهل بیت علیهم السلام و باقی گذاردن آثار نیک و پس از پشت سر نهادن یک دوره بیماری، در تاریخ چهارشنبه ۲۷ مرداد ماه ۱۳۵۰ ش، مطابق با ۲۶ جمادی الاول ۱۳۹۱ ق در سن ۷۰ سالگی به دیدار معبود شتافت. پیکر پاکش با تشییع با شکوه که با تعطیلی بازار قم همراه بود، بعد از نماز مرحوم آیه الله مرعشی نجفی در قبرستان شیخان به خاک سپرده شد.<sup>۲</sup>

**منبرش به قدری مفید و با ارزش بود که همه، از عالی و دانی و از فقیه و مجتهد تا آدمهای عادی از منبرش استفاده می بردند و حضور در پای منبر او را بر همه چیز ترجیح می دادند**

آستانه مقدسه را پاک سازی نمودند. شگفت آنکه به قدرت الهی، عصر همان روز ابرهایی در آسمان پدیدار شد و باران شدید باریدن گرفت و سیلی در رودخانه قم جاری گردید و تمام باغات و زراعات قم و اطراف آن به برکت این نعمت خدادادی سیراب شد.<sup>۱</sup>

### رحلت

سرانجام این خطیب شهیر عالم اسلام، پس از عمری موعظه و ارشاد و

۱. پیام حوزه، نشریه شورای عالی حوزه علمیه قم، ش ۲۳ ص ۲۵۵، با تلخیص و دخل و تصرف اندک.  
 ۲. شرح حال آیه الله شیخ مرتضی انصاری واعظ قمی در منابع ذیل آمده است:  
 گنجینه دانشمندان، ج ۲، ص ۳۲۹؛ آثار الحجة، ج ۲، ص ۱۴۴؛ ستارگان حرم، گردهمی از نویسندگان ماهنامه کوثر، ج ۸، صص ۱۳۰-۱۴۷؛ تربت پاکان قم، عبدالحسین جواهر کلام، ج ۴، صص ۱۹۵-۱۹۶؛ پیام حوزه، نشریه شورای عالی حوزه علمیه قم، ش ۲۳، ص ۲۴۶؛ آئینه دانشوران، سیدعلیرضا ریحان یزدی، با مقدمه و اضافات ناصر باقری بیدهندی، ص ۳۳۱؛ دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۲۰۰؛ رجال قم، ص ۱۵۸؛ دانشوران قم، ص ۱۸۷.